

Postcolonial reading of the law in the thought of Mirza Malkam khan; Emphasizing the newspaper " Qanun "

Seyed Mostafa Taherzadeh¹; Hadi Noori²

ABSTRACT

The current research seeks to reinterpret Mirza Malkam Khan's legal reform project in the Qanun newspaper to address the question of whether his thought embodies hybridity or essentialism. It further explores the extent to which Malkam Khan's ideas reflect the possibility of active resistance against colonialism. The research adopts an "interpretive" objective, is "fundamental" in type, and employs an "interrogative" strategy. To answer the primary research question, postcolonial theory is applied, and the Deconstruction method is used for data interpretation. The findings reveal that the binary oppositions within the text embody an imitation of the Western human experience. Malkam Khan perceives the Iranian identity of his era not as pure but as hybrid. However, this hybridity is characterized by the dominance of Western identity elements (11 instances of oppositions) over indigenous traditions (3 instances), demanding mere adaptation from the latter. Thus, his legalism project is constructed through a Eurocentric frame of reference, rendering it incapable of enabling active resistance to colonialism or Western cultural domination. Tracing elements such as his Adamiyat Project demonstrates how essentialist thought pervades Malkam Khan's legalism. The project's fluidity remains insufficient to destabilize binary oppositions and their hierarchies. Despite his initial claims to reconcile shari'a and progress, Malkam Khan consistently gravitates toward the stability of the West, distancing himself from the "third space" and the creation of a new hybrid identity.

Keywords: Postcolonialism, Hybridity, Deconstruction, Mirza Malkam khan, Law.

¹. PhD student, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Guilan University, Rasht, Iran.

². Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran

خوانش پسااستعماری قانون در اندیشه میرزا ملکم خان؛ با تاکید بر روزنامه «قانون»

سید مصطفی طاهرزاده^۱؛ هادی نوری^۲

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال بازخوانی پروژه قانون خواهی میرزا ملکم خان در روزنامه «قانون» است تا به این پرسش پاسخ بدهد که آیا اندیشه ملکم خان حامل دوره بودگی است یا تفکری ذات گرا دارد؟ اندیشه ملکم خان تا چه اندازه بازتاب امکان مقاومت فعالانه در برابر استعمار است. هدف پژوهش «تفسیر»، نوع پژوهش «بنیادی» و استراتژی پژوهش «استفهامی» است. برای پاسخ به پرسش اصلی از نظریه پسااستعماری و برای تفسیر اطلاعات از روش وانوسازی استفاده می گردد. یافته های تحقیق نشان می دهد تقابل های دوگانه موجود در متن حامل «تقلید» از تجربه انسان غربی است. ملکم خان هویت ایرانی زمانه خود را نه خالص بلکه دورگه می بیند. اما این دورگه یافتگی عناصر با غلبه عناصر هویت غربی (۱۱ مورد از تقابل ها) بر سنت بومی همراه است که تنها انتظار انطباق یافتگی از آنان دارد (۳ مورد از تقابل ها). ملکم خان به تقلید غرب می پردازد اما این تقلید به تمسخر آن ختم نمی شود تا راه برای مقاومت در برابر سلطه فرهنگی غرب مهیا گردد. از این رو، پروژه قانون خواهی او با مرجعیتی اروپامحور برساخت می شود و چنین اندیشه ای امکان مقاومت فعالانه در برابر استعمار و سلطه فرهنگی غرب ندارد. ردیابی عناصری مانند پروژه آدمیت او نشان می دهد که اندیشه ذات گرا بر پروژه قانون خواهی ملکم خان مستولی است و سیالیت پروژه به حدی نیست که باعث بی ثبات شدگی تقابل های دوگانه و سلسله مراتب آن گردد چراکه ملکم خان برغم ادعای نخستینش در پیوند شریعت و ترقی بلافاصله و همواره سراغ ثبات غرب می رود، و از «فضای سوم» و خلق هویت دورگه جدید دور می شود.

کلیدواژه ها: پسااستعماری، دورگه بودگی، وانوسازی، میرزا ملکم خان، قانون.

۱. دانشجوی دکتری، گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول: mtaherzadeh1373@gmail.com).

۲. استادیار، گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. (h.k.noori@gmail.com)

۱. مقدمه و بیان مساله

میرزا ملکم خان، معروف به ناظم الدوله، از تأثیرگذارترین روشنفکران دوره قاجار بود که کودکی خود را در فرانسه گذراند و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه و آشنایی با مکتب آگوست کنت به ایران برگشت و به مترجمی در وزارت خارجه منصوب شد و در سال ۱۲۷۵ اولین فراموش خانه را بنیاد نهاد که هدفش ترویج اندیشه اصلاحات و تلاش برای استقرار حکومت قانون بود (مریجی، ۱۳۸۶: ۴۹). با این حال، در نتیجه اختلاف با صدر اعظم وقت و دربار مبعوض شاه واقع گشت و تمام امتیازات از او سلب گردید (صدرهاشمی، ۱۳۸۵: ۳۳). ملکم، از این پس موضع رادیکال تری در پیش گرفت. او به دنبال از دست دادن مقامش، در یک سخنرانی عمومی درباره تمدن ایرانی در لندن هدف اصلی خود را ارائه فلسفه سیاسی غرب در قالب عبارات منطبق با قرآن، حدیث و دیدگاه‌های ائمه شیعه اعلام کرد (آبراهامیان، ۱۳۹۵: ۸۷). ملکم خان برای انتقال افکارش از لندن به تهران، در سال ۱۸۹۰م روزنامه «قانون» را منتشر کرد. از نظر حامد الگار، «قانون» روزنامه‌ای برای نشر وقایع سیاسی جهان نبود بلکه هدف اصلی آن آشنا ساختن مردمان به حقوق اجتماعی، حکومت، قانون، محاسن آزادی و اتفاق جمعی است. مطالب این روزنامه بیشتر دربرگیرنده مطالب تفسیرها و تحلیل‌های ملکم-خان درباره اوضاع ایران و راه‌های درمان آن و جامع آدمیت است (الگار، ۱۳۶۹: ۱۹۶). شعار اصلی این روزنامه قانون بود و نقش مهمی در تحریک مردم بر ضد حکومت بی قانون آن دوران داشت. تأثیر روزنامه قانون چنان بود که دولت هر رویداد نامساعد در کشور را ناشی از این روزنامه می دانست (صفری، ۱۳۸۲: ۵۳).

از آن جا که رویکرد پسااستعماری با تمرکز بر فرهنگ‌ها و هویت‌های تثبیت شده امپریالیستی، با استفاده از مؤلفه‌های فرهنگی و هویتی به دنبال خوانشی پسا ملی گرایانه از مواجهه با استعمار است (گاندی، ۱۳۹۱: ۱۸۷)، این نظریه می‌تواند به عنوان ابزاری برای تفسیر نقش استعمار در ترسیم اندیشه میرزا ملکم-خان و مبانی ایدئولوژیک قانون‌خواهی مورد استفاده قرار گیرد. نظریه پسااستعماری را می‌توان تحلیلی فرهنگی دانست که در پی گسترش ساختارهای نظری است و شیوه‌ی سلطه‌جویانه‌ی غرب را درباره‌ی نگرش به موضوعات، مورد نقد و اعتراض قرار می‌دهد (یانگ، ۱۳۹۱: ۱۴). شاید هیچ اصطلاح دیگری در نظریه پسااستعماری قدرتمندتر و تداعی کننده تر از مفهوم دورگیت^۱ (پیوند خوردگی) در نظریه هومی بابا نبوده است. این مفهوم به عنوان وسیله‌ای مفید برای مطالعه ویژگی‌های تعاملات اجتماعی فرهنگی بین گروه‌های مختلف در شرایط استعمار و جهانی شدن معاصر مورد توجه نظریه پردازان قرار گرفته است. دورگیت به مکان تولید فرهنگی اشاره دارد که در حاشیه و در بین فرهنگ‌ها ظاهر می‌شود. فضایی است که عناصر فرهنگی به طور مستمر مجدداً بازسازی و بازپیکربندی می‌شوند. (هرناندز، ۱۴۰۲: ۶۹). با این همه، «قانون» نشریه‌ای است که با عقاید سیاسی و مدنی غربی آشناسات و هم مورد استقبال فعالان سیاسی و روشنفکران قرار می‌گرفت. هدف این پژوهش تفسیر و تحلیل نقش میرزا ملکم‌خان و روزنامه «قانون» به مثابه یک رسانه ایدئولوژیک در فضای تجددخواهی ایران پیشا مشروطه است. در روایت مسلط ملکم و روزنامه «قانون» آن نماینده ارزش‌های دنیای مدرن و مبلغ تعلیمات حزبی در جامعه ایران محسوب می‌شود. از این رو درک تصور روزنامه قانون از مدرنیته از زوایای مختلف قابل بررسی است.

مسأله این پژوهش فهم مفروضات ایدئولوژیک اندیشه قانون‌خواهی در روزنامه «قانون» است و از طریق تفسیر قانون در چارچوب تحلیل پسااستعماری به دنبال ردیابی نحوه عملکرد سلطه فرهنگی غرب بر جامعه ایرانی قرن نوزدهم است که خود را در اندیشه روشنفکران پیشروی آن زمان نشان می‌دهد. لذا بازخوانی روزنامه قانون به منظور آشکارسازی استراتژی‌های استعماری سلطه صورت می‌گیرد. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که آیا اندیشه ملکم‌خان حامل دوره‌بودگی است یا انعکاس تفکر ذات‌گرا؟ ملکم‌خان چه تصویری از خود دارد و این تصور چگونه در قانون‌خواهی بازنمایی می‌شود؟ اندیشه ملکم‌خان تا چه اندازه بازتاب امکان مقاومت فعالانه در برابر استعمار غرب است. هدف پژوهش از نوع «تفسیر» و نوع پژوهش «بنیادی» است. در میان چهار استراتژی پژوهش استقرائی، قیاسی، پس‌کاوی و استفهامی استراتژی پژوهش حاضر «استفهامی» است (بلیکی، ۱۳۹۰: ۱۴۲). بر اساس منطق

1. Hybridity.

استفهامی می پذیرد که فعالیت های اجتماعی کنشگرانی مانند ملکم خان در زبان آن ها بر ساخت می شود و مرزی بین آن ها وجود ندارد. پس از طریق بررسی زبان کنشگرانی مانند ملکم خان می توان به معرفت ضمنی و نا آشکاری دست یافت که در پس جهان اجتماعی او نهفته است و او به عنوان کنشگر اجتماعی بر اساس آن به تولید، باز تولید و تفسیر پدیده ها می پردازد.

۲. پیشینه تحقیق

تحقیقات و کتاب های به چاپ رسیده در خصوص روزنامه قانون و اندیشه میرزا ملکم خان به دو گروه کلی قابل بخش بندی هستند. دسته نخست به زندگی و نقش میرزا ملکم خان به عنوان یکی از مهمترین روشنفکران عصر قاجار معطوف شده اند؛ طاهری مقدم و بوچانی (۱۳۹۴)، معتقدند ملکم می کوشید تا نظام آموزشی را عرفی کند به همین دلیل به دنبال فرستادن شاگردان به فرنگ برای علم آموزی و آموزش زنان بود. حجازی و رادمرد (۱۳۹۳)، با استفاده از هرمنوتیک قصدگرای اسکینر نشان دادند که از نظر ملکم از طریق عدالت نهادی، می توان ثبات و امنیت را در کشور برقرار ساخت. قنبری و همکاران (۱۳۹۳)، معتقدند ملکم پیشگام جریان تجددگرا در تاریخ روشنفکری ایران است. حامد الگار (۱۳۶۹)، با رجوع به اسناد متعدد به شرح وقایع مهم آن دوره و دیدگاه های ملکم در خصوص روشنفکران، سیاست خارجی، روزنامه قانون و... پرداخت. فرشته نورائی (۱۳۵۰)، با تحقیق در افکار میرزا ملکم-خان معتقد است که ملکم تحت تاثیر آرای فلاسفه قرن هیجدهم فرانسه و لیبرالیسم قرن نوزدهم است. اسماعیل رائین، (۱۳۵۰)، به بررسی خصوصیت آثار، نوشته ها و ویژگی های شخصیتی ملکم خان پرداخت.

بخش دوم به روزنامه قانون و هدف سیاسی اندیشه قانون خواهی آن در ایران پیشا انقلاب مشروطه می پردازند؛ سمیرا جوانمرد و مرتضی منشادی (۱۳۹۱)، دغدغه اصلی روزنامه را ایجاد چارچوب قانونی به منظور محدود کردن استبداد قلمداد می کنند. سهیلا ترابی (۱۳۸۸)، معتقد است روزنامه قانون اصلاح گری ترقی خواهانه را بر الگویی مبتنی بر گونه ای لیبرالیسم استوار ساخته بود. فیاض زاهد (۱۳۸۶)، ملکم خان را مصلح و متفکر عصر مشروطه و روزنامه قانون را اثر بخش ترین جراید قاجار می داند. محمد صدرهاشمی (۱۳۸۵)، ضمن معرفی روزنامه «قانون» و خط مشی میرزا ملکم خان به نقش مثبت آن در جریان مشروطیت پرداخته است. هما ناطق (۱۳۸۵)، به نقش روزنامه قانون در بسیج ملت و ره گشایی سیاسی اشاره می کند. مسعود کوهستانی نژاد (۱۳۸۵)، معتقد است قانون برای ملکم یک وسیله است، وسیله ای برای ارضاء حس شهرت طلبی و خودنمایی یک سیاستمدار کهنه کار. مرور پیشینه تحقیق نشان می دهد که تاکنون هیچ گونه مطالعه ای مستقلی در خصوص روزنامه قانون و میرزا ملکم خان از رهگذر رویکرد پسااستعماری انجام نشده است؛ بدیع بودن این پژوهش بهره گیری از آموزه های تحلیل و انوسازی برای خوانش اندیشه میرزا ملکم خان و تفسیر روزنامه «قانون» در ایران دوره پیشا مشروطه است.

۳. چارچوب نظری

رویکرد پسااستعماری دربرگیرنده راه های ایستادگی در برابر سلطه استعماری، دگرگونی معنایی است که اروپاییان برای نشان دادن برتری فرهنگی خود به دست داده اند. بنا بر تقسیم بندی سارا میلز مطالعات پسااستعماری را می توان به دو بخش تقسیم کرد (میلز، ۱۳۹۲: ۱۳۵). رویکرد اول به بررسی الگوها و گفتمان شرق شناسانه معطوف شده اند؛ از مهم ترین بنیان گذاران آن فرانتس فانون و ادوارد سعید هستند.

ادوارد سعید در کتاب شرق شناسی (۱۳۹۰) خود امپریالیسم غربی را به فرهنگ غربی پیوند می زند که ماحصل آن تولد «شرق شناسی» است: مجموعه ای نظام مند از «نظریه و عمل» است که شرق را برمی سازد و باز می نماید (سعید، ۱۳۸۲: ۱۵). از طرفی، فانون با تحلیل مسیرهای روان شناختی، اجتماعی از سیاست استعمار در استفاده از ویژگی های نژادی پرده برداشت. او در کتاب پوست سیاه، صورتک های سفید، استدلال می کند که وضعیت استعماری چنان فرد استعمار زده را در برمی گیرد که همیشه در حال مقایسه کردن خود با «دیگری» سفیدپوست است (فانون، ۱۳۵۵: ۲۱۹).

رویکرد دوم در مطالعات پسااستعماری که بیشتر از نظریه های روانکاوی تأثیر گرفته اند؛ به تأثیر فتوحات استعماری در ساختارهای اجتماعی و شکل بندی های گفتمانی تأکید دارند. شاخص ترین اندیشمندان این رویکرد گایاتری چاکراوورتی اسپيوک، هومی بابا محسوب می شوند. اسپيوک می گوید ساختارهای جهانی، قدرت اعم از دانشگاهی، اقتصادی یا سیاسی در حال حاضر به فرودستان اجازه سخن گفتن نمی دهند. منظور از سخن گفتن در اینجا به معنای به رسمیت شناخته شدن پیام فرد است. این طور نیست که افراد فرودست نمی توانند چیزی بگویند، بلکه به این معناست که سخن گفتن از موضع یک فرودست در جامعه هرگز شنیده نخواهد شد. (ریچ، ۱۴۰۲: ۴۹-۴۸). از نظر اسپيوک، نه روشنفکر غربی بلکه نخبگان بومی و متعهد وظیفه بازنمایی فرودست دارند (شاهمیری، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

هومی بابا در کتاب موقعیت فرهنگ می گوید: هویت های استعمارگران و استعمار شدگان (خواه افراد باشند یا یک جامعه) ذاتاً بی ثبات، گسیخته و دورگه هستند. یعنی هویت «خالص» وجود ندارد، زیرا همه هویت ها با حضور رگه هایی از فرهنگ های مختلف در درون سوژه شکل می گیرند (فی و هایدون، ۱۴۰۲: ۴۱). بابا برای نشان دادن بی ثباتی تقسیم بندی های دوتایی مانند شرق-غرب، دو مفهوم کلیدی، دورگیت و تقلید^۱ برای انجام این کار توسعه می دهد. دورگیت این اندیشه است که هویت ها از تمام فرهنگ های مختلفی تشکیل می شوند که با آن ها در تماس هستند. به همین دلیل، هیچ فرهنگ یا ملت «ناب» غربی یا شرقی نمی تواند وجود داشته باشد (Fay & Haydon, 2017: 32). از این رو، فرایندهای دورگه بودگی فرهنگی به جای محو تفاوت ها، از طریق ادغام، آنها را تداوم بخشیده و چند برابر می کنند. این امر به برچیدن سیستم های دوتایی تحلیل فرهنگی کمک می کند و این ایده که فرهنگ ها زمانی خالص یا یکدست بوده یا هستند را متزلزل می سازد (هرناندز، ۱۴۰۲: ۶۹). ایده بابا از دورگه بودگی تلاش برای جانمایی فرهنگ و بهره وری فرهنگی، در موقعیتی آستانه ای است. به قول خود او، دورگه «نه این و نه آن دیگری» است، در عوض همیشه در میان است، جایی که پیوسته خود را مطابق با پویایی تعامل فرهنگی تغییر می دهد (هرناندز، ۱۴۰۲: ۱۰۱).

هومی بابا در مقاله خود «درباره تقلید و انسان» استدلالی را درباره هدف و رویه های مأموریت متمدن سازی تحت مفهوم تقلید مطرح می سازد. از نظر بابا، تقلید استعماری، میل به دیگری اصلاح شده و قابل تشخیص، به عنوان سوژه ای است که تقریباً، اما نه کاملاً همانند است (هرناندز، ۱۴۰۲: ۷۵). تقلید روشی است که در آن یک فرد یا گروه اندیشه ای را از فرهنگ دیگر می پذیرد، اما زمانی که یک گروه از فرهنگ دیگری برای تأکید مجدد بر اندیشه های خود استفاده می کند، به یک استراتژی مقاومت تبدیل می شود، زیرا تقلید به تمسخر فرهنگ استعماری تبدیل شود. مقاومت است، چون زبانی که استعمار بر آن تکیه می کند تضعیف می شود (Bhabha, 1994: 85-93). بابا با استفاده از مفهوم «فضای سوم» به گروهی از متفکران می پیوندد که مخالف با تقلیل گرایی سیستم های دیالکتیکی هستند که «سیاست قطبیت» مانند خود / دیگری، مرکز / پیرامون، استعمار زده / استعمارگر را ایجاد می کند. ایده دورگه بودگی تلاش برای جانمایی فرهنگ و بهره وری فرهنگی، در موقعیتی آستانه ای است. به قول خود او، دورگه «نه این و نه آن دیگری» است (هرناندز، ۱۴۰۲: ۱۰۱). در پژوهش حاضر، نظریه پسااستعماری حکم کمک مفهومی برای تفسیر داده های وائوسازی شده را دارد. به عبارت بهتر، با رجوع به روزنامه «قانون» از نظریه «دورگه بودگی» هومی بابا برای تفسیر و فهم محتوای روزنامه «قانون» استفاده می گردد. اینکه آیا اندیشه ملکم خان امکان مقاومت فعال در برابر استعمار را داشت یا بازتولیدگر گفتمان مسلط استعماری در فضای روشنفکری ایران دوره پیشا مشروطه است.

۳. روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیل وائوسازی^۲ برای تفسیر روزنامه قانون استفاده شده است. وائوسازی در مقام راهبردی تحلیلی به نحوی نظام مند شیوه های گوناگون تفسیر یک متن را آشکار می سازد؛ و قادر است مفروضات ایدئولوژیک را برملا سازد، به نحوی که به ویژه علایق سرکوب شده اعضای گروه های محروم شده از قدرت و حاشیه ای را در نظر گیرد (Martin, 1990: 340). بر این اساس دریدا

1. mimicry.

1. Deconstruction.

می‌گوید: مراد از متن محدود به گرافیک، کتاب، یا حتی گفتار نمی‌شود و نیز نمی‌توان آن را به فضای ایدئولوژیک، نشانه شناختی و معناشناختی فروکاست. آنچه من متن می‌نامم دربرگیرنده همه ساختارهای واقعی، اقتصادی - تاریخی، نهادی - اجتماعی و درمجموع همه مراجع قدرت ممکن می‌شود. (Derrida, 1995 : 168). زیرا او معنای متن را به کل هستی^۱ بسط می‌دهد. می‌توان گفت دریدا تمام هستی از جمله تاریخ و فرهنگ را متن‌واره^۲ ساخته است (ضیمران، ۱۳۹۲: ۴۹).

به نظر دریدا وانوسازی در پی معنزدائی از متن و در نتیجه آشکار ساختن امکانات درونی متن است (Derrida, 1976 : 233). این بدان معنا نیست که وانوسازی نوعی بازی آزاد متنی است که در آن هر کاری انجام می‌شود و همه چیز مجاز است. کاملاً برعکس وانوسازی با توجه وافر به ضرورت‌های زبان و منطق به منظور پیگیری و درک ریزه کاری‌های عملیات، رویه‌ها و شیوه نامه‌های پیچیده آنها دست به کار می‌شود و ضرورت می‌یابد (گانکل، ۱۴۰۲: ۱۳۶). در این پژوهش به منظور دستیابی به اهداف آن از روش تحلیل متن و تکنیک وانوسازی استفاده می‌شود. بر این اساس در پژوهش حاضر از تکنیک و الگوی هشت مرحله‌ای بوژه برای نقد واسازانه استفاده می‌شود (بوژه، ۱۳۸۷: ۸۳).

۱. جست‌وجوی تقابل‌های دوتایی:

در مرحله اول، باید «فهرستی از تعابیر دوقطبی و دوجوهی‌هایی که در حکایت استفاده شده‌اند بسازید. این شامل اصطلاحاتی که حتی اگر فقط یک جنبه‌شان ذکر شده باشد هم می‌شود» (بوژه، ۱۳۸۷: ۸۳).

۲. بازتفسیر سلسله‌مراتب:

در مرحله دوم، «یک روایت، یک تفسیر یا سلسله‌مراتبی از یک رویداد از نظرگاه خاصی است. سلسله‌مراتب را تشریح و تفسیر کنید» (بوژه، ۱۳۸۷: ۸۳).

۳. صداها را حذف شده:

در این بخش محقق باید «اقتدار تک صدایی را نفی کند. مراکز روایی، باعث طرد حاشیه می‌شوند. کدام صداها نسبت به دیگر صداها فرو دست تلقی شده‌اند.» (بوژه، ۱۳۸۷: ۸۳).

۴. سویه دیگر روایت:

در این مرحله، محقق باید سلسله‌مراتب اصلی بین اصطلاح مرکزی و حاشیه‌ای را واژگون کند. نویسنده معمولاً سرخ‌ها و ردپاهایی از سلسله مراتب و موارد نقض یا واژگونه‌های خود را پدید می‌آورد (بوژه، ۱۳۸۷: ۸۹).

۵. نفی پی‌رنگ:

«حکایات پی‌رنگ‌ها، نسخه‌ها، سناریوها، دستورالعمل‌ها و اخلاقیاتی دارند. پی‌رنگ‌های شناخته شده از زمان افلاطون به این سو عبارتند از: رمانتیک، تراژیک، کمدی و طنز» (بوژه، ۱۳۸۷: ۹۰). در این بخش باید پی‌رنگ روایت را تغییر داد.

۶. استثناء را بیابید:

در این بخش محقق به دنبال استثناء است که قاعده را نقض می‌کند. «این استثناء می‌تواند در بافت موقعیت حکایت شده جای داده شوند، یعنی در ناحیه بینامتنی حکایت‌های دیگر» (بوژه، ۱۳۸۷: ۹۰).

۷. بین خطوط را بخوانید:

در این مرحله باید «ردگیری کنید آن چه را که گفته نشده است. علائم راهنما و هشدار دهنده را ردگیری کنید. «آن‌جا که افراد از طریق خاموش ماندن مقاومت می‌کنند را ردگیری کنید» (بوژه، ۱۳۸۷: ۹۱).

۸. سامان‌دهی مجدد:

2. whole universe.
3. Textualization.

در گام آخر، «وظیفه ایجابی تغییر سلسله مراتب دوگانگی در روایت است. یعنی روایت را دوباره روایت کنیم و نشان دهیم که روایت چگونه می تواند بازی آزاد تقابل های دوتایی در ورای سلسله مراتب شود» (بوژه، ۱۳۸۷: ۹۲).

روایی و پایایی

در پساساختارگرایی نشانه های زبانی در بافت های زمانی و مکانی گوناگون معانی متفاوتی به خود می گیرند. به عبارت دیگر، معنای یک نشانه از بافتی به بافت دیگر تغییر می نماید و معنا به شکلی بنیادین ناپایدار است. از این رو، تأثیر هر بازنمایی متنی که در آن معنا ظاهراً ثابت است، فقط یک تثبیت گذشته نگر موقتی و گول زننده است که همیشه در معرض چالش و بازتعریف قرار دارد. پروژه پساساختارگرایی، به شکلی گسترده، به دنبال به چالش کشیدن و ایجاد اختلال در تمام اشکال تحقیقی است که می کوشد معنا را به عنوان «روایت های حقیقت» به طور دائم تثبیت کند (Baxter, 2003, 62). بنابراین، پایایی مد نظر این پژوهش نیست. با این حال، بنا به نظر کرسول (۱۴۰۰) و با استناد به سازوکارهای هشت گانه وی جهت اعتباریابی تحقیق و با توجه به اینکه وی بر این عقیده است که به منظور اعتباریابی پژوهش حداقل دو مورد از هشت مورد مطروحه بایستی بکار گرفته شود، در مورد این تحقیق نیز سه مورد از موارد هشت گانه به کار گفته شد:

۱- همه جانبه نگری: که به معنای استفاده پژوهشگر از منابع، روش ها، پژوهشگران و نظریه های چندگانه و متفاوت برای فراهم آوردن شواهد تقویت کننده است. در این پژوهش، از نظریه ژاک دریدا به عنوان نظریه و هم روش در جهت کمک به تحلیل بهتر استفاده شده است. ۲- خودبازاندیشی: که دارای سه نقش است: الف) کاربران وانوسازی باید مواضع نظری خود را روشن کنند و مفروضات معرفت شناختی ای را که باید برای هر عمل تحلیل گفتمان اعمال شوند، به صراحت بیان کنند که در این پژوهش تمامی این موارد به شکلی مفصل بیان گردیده اند. ب) رویکرد وانوسازی بایستی در مورد به کارگیری واژگان فنی تخصصی یا «لفظی بنیادی» خود-بازاندیش باشد (بیلیگ، ۱۹۹۹: ۵۵۲). این به معنای آگاهی صریح از این امر است که اصطلاحات فنی نمی توانند واقعیت های «عینی» را به شیوه ای غیرمساله ساز توصیف کنند. ج) وانوسازی نیازمند خودآگاهی آشکار از داستانی بودن و متنی بودن فرآیند تحقیق و این پدیده است که هر عمل پژوهشی، شامل مجموعه ای از انتخاب ها و راهبردهای تالیفی است. بر اساس دیدگاه پساساختارگرایی، همه تلاش های دانش، مربوط به خلق جهان است (یوشر، ۱۹۹۶) و از این رو، پژوهش، خود یک برساخت و مقوم یا «جهان ساز» است. ۳- ممیزان بیرونی: ممیز بیرونی کسی است که فرآیند و نتایج حاصل شده را مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهد که در این پژوهش اساتید راهنما نقش این ممیزان را ایفا می کنند.

۵. یافته های پژوهش

داده های مطالعاتی پژوهش حاضر از طریق وانوسازی شماره های برجای مانده روزنامه «قانون» استخراج گردید. منبع اصلی پژوهش، کتاب «روزنامه قانون میرزا ملکم خان» است که با تلاش هما ناطق گردآوری شده است. به طور کلی اولین شماره روزنامه در بیست فوریه ۱۸۹۰م (۱۳۰۷ ه.ق) انتشار یافت و تنها شماره ای است که هشت ورق دارد و باقی همه چهار ورقی هستند. این روزنامه تا شماره ۷ تاریخ گذاری شده است و کامل ترین مجموعه ای که تاکنون از آن بدست آمده از ادوارد براون در کمبریج است که چهل و یک شماره بیشتر ندارد.

مرحله اول: یافتن تقابل های دوتایی

جدول شماره ۱. تقابل های دوتایی

ردیف	شماره روزنامه	تقابل های دوتایی یافت شده از روزنامه
۱	۱ - ۲۷ - ۳۵	مذهبی / غیر مذهبی
۲	۱ - ۴	روزنامه آزاد / روزنامه دولتی
۳	۱ - ۳ - ۳۸ - ۳۹	حکمرانی عادلانه / حکمرانی ناعادلانه

۴	۳۵-۱۵-۱۱-۵-۲	انطباق قانون با شریعت	عدم انطباق قانون با شریعت
۵	۲۳-۱۵-۱۱-۲-۱	اداره قانونی	اداره اختیاری
۶	۲۴-۱۷-۱۵-۱۲-۱۱	رژیم مشروطه	رژیم استبدادی
۷	۲۵-۲۳-۱۵-۱۴-۱۱-۱۰-۷	ملت	دولت
۸	۳۷-۲۹-۲۶-۲۵-۲۱-۱۷-۹-۷-۱	ائتلاف علما	افتراق علما
۹	۳۷-۲۳-۱۵-۴	مجلس شورای کبرای ملی	مجلس دربار اعظم
۱۰	۲۳-۸	اعتراض سیاسی	سکوت سیاسی
۱۱	۲۵-۱۵-۱۴-۹-۶-۲-۱	اتفاق ملی	اختلاف ملی
۱۲	۳۶-۳۵-۲۲-۲-۱	کشورهای مترقی	ایران
۱۳	۱۵-۱۲-۱۰-۷	زن	مرد
۱۴	۳۹-۳۶-۱۷	ترقی گرایی اسلامی	تجبرگرایی اسلامی

مرحله دوم: بازتفسیر سلسله مراتب تقابل ها

مذهبی / غیر مذهبی: لحن روزنامه قانون دین مآبانه است به طوری که شماره نخست روزنامه با بسم الله و دعایی به عربی آغاز می شود و در آن از خداوند درخواست شده که روزنامه قانون را وسیله ای برای دستیابی مسلمانان دین دار به عدالت و مایه هدایت به صراط مستقیم گرداند: «اللهم بدأنا باسمك العظيم بعد الاتكال علی عونك بنشر صحيفة "القانون" قانونا لعبادک الکریم المومنین...» (شماره ۱: ۱). در جایی دیگر «جميع انبیا و ائمه و حکمای دنیا مبعوث نبوداند مگر از برای ترقی دنیا... هر بی دینی که بخواهد بر حقوق ملت خللی وارد بیاورد یا نسبت به یکی از افراد ملت مرتکب تعدی بشود عموم اعضای ملت... باید به کل قوای خود به مقام دفع چنان دشمن برخیزند» (شماره ۳۵: ۴). با توجه به استفاده ملکم از تعبیر مذهبی، حتی به طور ظاهری، فرادستی مذهب در این تقابل ملاحظه می گردد.

روزنامه آزاد / روزنامه دولتی: یکی از مهمترین تدابیر ملکم برای تبلیغ اندیشه قانون خواهی و اشاعه اصول آدمیت انتشار روزنامه است: «اشخاص باشعور... پس از تفحص و تفکر زیاد بر این عقیده متفق شدند که به جهت نجات و ترقی خلق ایران بهتر از یک روزنامه آزاد هیچ اسباب نمی توان تصور کرد» (شماره ۱: ۱). در جایی دیگر «روزنامه که به خواهد یک ملتی را به حرکت بیاورد باید خارج از اختیارات وزرا صاحب کلام آزاد و قادر به نعره ای بلند باشد» (شماره ۴: ۱). در سلسله مراتب این تقابل فرادستی با روزنامه آزاد است.

حکمرانی عادلانه / حکمرانی ناعادلانه: در نگاه ملکم حکمرانی توأم با عدالت می تواند تعادل و آرامش را در زندگی همگان برقرار نماید و اوضاع اجتماعی - اقتصادی مملکت را سامان دهد: «هیچ کس در ایران مالک هیچ چیز نیست. حاکم تعیین می کنیم بدون قانون. سرتیپ معزول می کنیم بدون قانون. حقوق دولت را می فروشیم بدون قانون...» (شماره ۱: ۱). در جایی دیگر «عدالت دولت باید مبنی بر ترتیبات قانونی باشد نه بر میل شخصی. عدالت در گرفتن مالیات، عدالت در تعین مناصب، عدالت در تقسیم مواجب...» (شماره ۳۹: ۲). در سلسله مراتب این تقابل فرادستی با حکمرانی عادلانه است.

انطباق قانون با شریعت / عدم انطباق قانون با شریعت: در اغلب شماره های روزنامه، قانون ماحصل توصیه های اخلاقی پیامبران و یک پیام دینی توصیف می شود و تلاش شده این فرض در ذهن مخاطب جا بی افتد که قانون و مرام آدمیت با شریعت مطابقت دارد: «چیزی که شیوع و رونق عالم آدمیت را در ایران مسلم ساخته این است که اصول آن به طوری مطابق اسلام و به قسمی مناسب دردهای حالیه ایران است» (شماره ۵: ۴). در جایی دیگر «مقصود از بعثت جمیع انبیا این بوده که قانون حق در دنیا جاری بشود؛ آن دستگاهی که می آید می گوید قانون منسوخ و میل من قانون است آن دستگاه مخرب نظم دنیا و دشمن آدمیت و کافر مطلق و ملعون خداست» (شماره ۱۱: ۲). در سلسله مراتب این تقابل فرادستی انطباق قانون با شریعت ملاحظه می گردد.

اداره قانونی / اداره اختیاری: مهمترین انتقاد ملکم به دستگاه دولت، شیوهی اداره اختیاری دیوان است که در آن وزرا به میل شخصی و خودسرانه احکام و فرمان صادر می کنند: «دولتی که قانون ندارد نه دین دارد نه انصاف نه شعور. از جمله شقاوت های سفیهانه دولت بی قانون یکی این است که وجودهای ممتاز ملت را به اقسام صدمات وحشیانه تعاقب می نماید» (شماره ۱۱: ۱). در جایی دیگر «دیوانیان ما بدون رعایت هیچ قانون و بدون ترس هیچ مؤاخذه هر قدر و هر طور که میل دارند مال مردم را میچاپند» (شماره ۱۵: ۱). در سلسله مراتب این تقابل فرادستی با اداره قانونی است.

رژیم مشروطه / رژیم استبدادی: در شماره های روزنامه، رژیم استبدادی مذموم شمرده شده است و بر ضرورت اصلاح ساختار اداری و سیستم حکومت داری تاکید می شود: «حیات ملل بدون قانون محال است و الان در صفحه روزگار هیچ قانون شرعی و هیچ قرارعرفی نیست که شما در این اقلیم ایران که شما لگد کوب استبداد خود نکرده باشید» (شماره ۱۱: ۲). در جایی دیگر «اگر تا امروز از علمای ما آن خدماتی که از برای ترقی آدمیت منتظر هستید بروز نکرده سببش همان استبداد وحشیانه دیوان ماست که در این ملک از برای احدی مجال حرف بلکه امکان تنفس باقی نگذاشته بود» (شماره ۱۷: ۳). در سلسله مراتب این تقابل فرادستی با رژیم مشروطه است.

ملت / دولت: یکی از انتقاداتی که در روزنامه تکرار می شود، عدم توجه دستگاه دولت به حقوق مردم و ضرورت ایستادگی ملت در برابر وضعیت موجود است: «تاریخ عالم به ما نشان می دهد که بیداری دولت باید از بیداری ملت شروع شود. حال وقت است که داد ملت را پیش خود ملت ببریم» (شماره ۲۳: ۲). در جایی دیگر «دولت بی قانون آن است که رعیت را به میل خود میچاپد حقوق ملت را به هر اجنبی که می خواهد می فروشد. خزاین ملک را به هر نوع رذالت که میل دارد تلف می کند» (شماره ۱۰: ۳). در سلسله مراتب این تقابل فرادستی با ملت است.

ائتلاف علما / افتراق علما: روزنامه به نقش علما در همراهی با حرکت قانون خواهی و جلب حمایت مردم تاکید دارد و به لزوم تشکیل مجلس علما به منظور نظارت و تطبیق قوانین با احکام اسلامی اشاره می کند. به زعم ملکم، علما می توانند رهبری اتفاق ملی را برعهده بگیرند: «خلق ایران هیچ کار نمی توانند بکنند مگر به هدایت و ریاست مجتهدین... باید حکما عقلای این صنف را در هر جا که باشند پیدا کرد و اعتبار و فضیلت آنها را بیدق قانون و پیشوای اتفاق ملت قرار داد» (شماره ۷: ۴). در جایی دیگر «امروز فلاح ایران عبارت است از اجتماع آن انوار هدایت و آن قبوض حکمت که در وجود فضایل اسلام متفرق و مخفی مانده اند» (شماره ۹: ۴). در سلسله مراتب این تقابل فرادستی با ائتلاف علما است.

مجلس شورای کبرای ملی / مجلس دربار اعظم: پیشنهاد روزنامه برای افزایش کارآمدی قدرت حاکم، مشارکت روحانیون در تشکیل مجلس شورای کبرای ملی به جای مجلس دربار اعظم است: «علمای اسلام در شورای کبرای ملی هر حکمی که به استقلال فصل خود صادر فرمایند ما همان را قانون خدا و مآمن زندگی خود خواهیم شناخت» (شماره ۱۵: ۲). در جایی دیگر «در ایران یک مجلس شورای کبرای ملی ترتیب بدهیم که در آن مجلس اعظام علما و مشاهیر عقلای ملک حقوق دولت و ملت را موافق اصول شریعت خدا... مراقبت نمایند» (شماره ۲۲: ۱). فرادستی مجلس شورای کبرای ملی در این تقابل ملاحظه می گردد.

اعتراض سیاسی / سکوت سیاسی: روزنامه مروج اصلاحات سیاسی و پیام آن به مردم اعتراض و ایستادگی در مقابل وضعیت بی قانونی است: «ای علمای دین و ای عقلای ملک بدانید که همه این ظلم ها و همه این سیل اشک که در ایران جاری می شود سبب اش در سکوت و بی رحمی شماست. شما به حکم خدا و به حکم طبیعت پیشوا و مستحفظ حقوق ملت هستید» (شماره ۸: ۱). در جایی دیگر «ترقی دولت همه جا از همت اعتراض بوده نه از سکوت نامردی... پس اگر دولت خواهی دارید این رسوم کفش لیزی رؤسا را قدری تخفیف بدهید» (شماره ۲۳: ۱). بنابراین اعتراض سیاسی موقعیتی فرادست در سلسله مراتب این تقابل دارد.

اتفاق ملی / اختلاف ملی: بسیاری از صفحات روزنامه در تشریح اصول آدمیت و تاکید بر همکاری گروهی و فعالیت جمعی سیاسی است: «حالا به درستی فهمیده ایم که همه این بدبختی های ایران از غفلت و از عدم اتفاق ما بود. حالا دیگر تنها نیستیم که شما به دلخواه خود ما را اسباب اسیری همدیگر و میر غضب ملت قرار بدهید» (شماره ۱۴: ۱). در جایی دیگر «اجرای قانون در هیچ ملک

هرگز ممکن نخواهد بود مگر به اتفاق ملت» (شماره ۲۵: ۳). در این تقابل فرادستی با اتفاق ملی است که شرایط را برای قانون خواهی فراهم می کند.

کشورهای مرفی / ایران: ملوک شیفته ی مدنیت و قانون گرایی دول مرفی است و به نظر او روابط اقتصادی الزاماً موجب مداخله و سلطه سیاسی نمی شود و می تواند به پیشرفت دولت های آسیایی کمک کند: «ترقی دنیا پس از هزار قسم امتحان از برای اجرای قوانین بعضی تدابیر مخصوص اختراع کرده که ما اهل ایران تا امروز از معانی و اثر آن به کلی بی خبر بوده ایم» (شماره ۱: ۲). در جایی دیگر «با این همه معادن و جنگل ها و استعداد خاک و قابلیت خلق و قدمت تاریخ و شرافت مذهب هیچ طایفه نیست که به قدر خلق این ملک از نعمات طبیعی محروم و از قافله ترقی دنیا عقب مانده باشد» (شماره ۲: ۱). فرادستی کشورهای مرفی در این تقابل ملاحظه می گردد.

زن / مرد: یکی از موضوعاتی که در روزنامه به آن توجه شده جایگاه اجتماعی زنان است که می توانند به مراتب بیشتر از مردان در تلاش برای قانون خواهی و اصلاحات جامعه نقش ایفا داشته باشند: «چنان اتفاق افتاده که اغلب زن های نجبای ما بر حسب عقل و تدبیر از مردهای این عصر خیلی پیش افتاده اند» (شماره ۱۰: ۲). در جایی دیگر «بیداری بخت ایران از این نکته نیز خوب معلوم می شود که زن های ما معانی آدمیت را زودتر و بهتر از اغلب مردها درک می کنند» (شماره ۱۲: ۴). در جایی دیگر «از زن های ایران مأیوس نباشید. ما هنوز این قدر نامرد نشده ایم که مثل شوهران و جوانان این زمان سرمایه زندگی را منحصر به مشق بیعاری قرار داده باشیم... بلی شکست این بازار بی ناموسی بر عهده ماست» (شماره ۳۵: ۴). بدین ترتیب، در سلسله مراتب این تقابل فرادستی با زن است.

ترقی گرایی اسلامی / تحجرگرایی اسلامی: بسیاری از مباحثی که ملوک در روزنامه به میان آورده بر مبنای این پیش فرض است آموزه های حقیقی اسلام با ترقی خواهی و اصول آدمیت سازگار است: «ما انوار شرع اسلام را برای آسایش و ترقی این ملل کاملاً کافی می دانیم. و در طرح تنظیم ایران هیچ تدبیری قبول نداریم مگر اجرای آن قوانین مقدس که دین ما از برای زندگی و سعادت ما مقرر و واجب ساخته است» (شماره ۱۷: ۱). در جایی دیگر «ترقی ملل اسلام هرگز محقق نخواهد شد مگر به معرفت و به حکم خود اسلام» (شماره ۳۶: ۴). در جایی دیگر «اسلام حقیقی یعنی علم یعنی عدالت ترقی. علم در دنیا یکی است» (شماره ۳۹: ۲). بنابراین فرادستی ترقی گرایی اسلامی و اصلاح گری دینی در این تقابل ملاحظه می گردد.

مرحله سوم: صداهای حذف شده

اصلی ترین صدای حذف شده یا به حاشیه رانده شده در روزنامه قانون را می توان صدای اولیای دولت و خصوصاً امین السلطان صدراعظم پادشاه دانست که به زعم ملوک، با عملکرد خود موجبات عدم اتفاق ملی را فراهم نموده است؛ به همین دلیل، «قانون» منتقد جدی عملکرد دولت است و در مواردی از کلماتی مانند غلامزاده و آبدارچی برای استهزا پیشینه خانوادگی صدراعظم استفاده می شود: «روح غیرت ایران هر قدر هم لگدکوب شده باشد ممکن نیست بیش از این ها متحمل بشود که یک غلام زاده بی تربیت از قاطر خانه بیرون بیاید... نیک نفسی پادشاه را بدزد و بر سینه سلطنت ایران بنشیند» (شماره ۲: ۴). در جایی دیگر «پادشاه ما چنانکه همه کس می داند خسته و محصور آبدارخانه و در حقیقت خود را از سلطنت خلع و ایران را تسلیم آن دستگاه کرده است» (شماره ۱۴: ۳). در روایت روزنامه، دستگاه دولت نماد قانون ستیزی و در مقابل قانون خواهان طرد شده است: «ما خلق ایران شاه پرست بودیم اما این وزارت دولتش غیرت احاد چاکران دولت را به حدی لگدکوب و ردالت خود ساخت... که راضی شده ایم انگلیس و روس بیاید و ما را از زیر ننگ این وزارت شوم نجات بدهد» (شماره ۶: ۳).

نمونه دیگر در مکاتبات فرضی با روزنامه است که صدای اعتراض وجود دارد. با وجود این که به نظر می رسد این نامه ها و گزارش ها ساختگی باشد؛ اما چند طبقه از مکاتبه کنندگان بودند که نامه های آن ها با نظم و ترتیب خاصی انتشار می یافت. علما، افسران ارتش و فرماندهان، شاهزادگان، برخی از کارمندان دولت و تجار، از جمله صدای معترض هستند که اداره اختیاری مملکت را نکوهش می کنند؛ به دنبال اصلاح سیستم اداری هستند و از ضرورت قانون برای جامعه سخن می گویند.

مرحله چهارم: سویه دیگر روایت

در هر روایت چند سویه وجود دارد که یکی از آنان به کمک تقابل های دوگانه به مرکز دست یافته است. در روایت کلی روزنامه «قانون» نیز می توان به نمونه هایی از وانوسازی در خود متن اشاره کرد. به عنوان مثال در روایت اصلی، بر قانون خواهی بر اساس آموزه های حقیقی اسلامی و اخلاقیات دینی تاکید شده است: «این نکته مهم را باید در اینجا درست اعلام نمائیم که از برای اجرای این مقصودات پاک - استقرار اصول آدمیت و اجرای قوانین الهی - اصلاً لازم نمی دانیم که رجوع به قوانین خارجه نمائیم» (شماره ۱۷: ۱). در جایی دیگر «مالیات اسبابی است که از برای تقویت و اجرای قوانین شریعت خدا وضع شده است... به حکم شرع مقدس اسلام و به حکم عقل و حکمت دنیا به دولت بی قانون نباید مالیات داد» (شماره ۱۵: ۱). اما در مواردی می توان توجه به ارزش های ترقی دنیا (کشورهای توسعه یافته) و لزوم یادگیری از آنان را در متن مشاهده کرد که بر خلاف روایت مرکزی روزنامه می باشد: «ما باید خواه و ناخواه قبول بکنیم که آن نظم و آن ترقی و آن آبادی ها که دنیا بر ما واجب ساخته همه مبنی بر قوانین دقیق و بسته به ترتیب مجالس مخصوص است. و در میان این مجالس مقدمه و محرک همه مجلس وزراست» (شماره ۳۹: ۴).

نمونه دیگر در حالی که روزنامه شیفته شیوه حکمرانی جدید در غرب است اما در مواردی با اشاره به برخی از مامورین سفارت خانه ها معتقد است که آنان با رفتار خود نه تنها موجبات ترقی ایران را فراهم نکردند بلکه عملکردشان ضد اصول آدمیت بوده است: «آن غربای نجیب که در ملک ما مشوق آدمیت و محرک ترقی می شوند مهمان عزیز ما هستند. آن اسافل خارجی که می آیند به جهت یک نشانِ کثیف یا یک طاقه شالِ پوسیده یا یک تبسم التفات دروغی کارچاقکن و سینه زن این دستگاه جور می شوند آنها را باید دشمن ایران و مردود آدمیت بدانیم» (شماره ۲۰: ۳).

مرحله پنجم: نفی پی رنگ

در هر روایت پی رنگ ها، نظریه ای در باب علّیت هستند، اینکه چه کسی یا چه چیزی سبب وقوع یک رویداد شده است و چه رویدادهایی ارتباط درونی باهم دارند. در روایت روزنامه «قانون» به جهت امیدواری در استقرار عدالت و حاکمیت قانون در دستگاه دولتی، پی رنگ حالت کمدی دارد. پیشنهاد روزنامه برای فائق آمدن بر فضای بی قانونی، حضور روحانیت در عرصه میدان اجتماعی و استفاده از ظرفیت آنان در شکل دهی به اتفاق ملی و بسیج مردم است: «ما در عالم آدمیت یک کلمه حرف تازه نداریم. آنچه موافق علم علمای اسلام، حق است ما آن را می پرستیم و هر لفظی که در اقوال ما مطابق عین اسلام نباشد آن را از صمیم قلب رد و لعن می کنیم» (شماره ۱۱: ۲). در حالی که اگر فرض کنیم پیرنگ حالت تراژدی داشت؛ روایت روزنامه از ماجرای قانون خواهی متفاوت بود و با پذیرش فضای بی قانونی در کشور حالت منفعلانه و غم نامه به خود می گرفت؛ تا جایی که با نافرجام ماندن اصول آدمیت و قانون گرایی در جامعه امکان رهایی از اداره اختیاری دستگاه دولت فراهم نمی شد.

مرحله ششم: استثناء

قاعده کلی در روایت روزنامه، باور به انطباق قانون با شریعت و استفاده از قدرت اجماع علما برای رسیدن به ترقی خلق ایران و اتفاق ملی است: «اگر دولت می خواهیم باید اول ملت را زنده بکنیم و این کار در دست علما است. باید علما این کفر به من چه، را از مغز اهل این ملک هر طور هست بیرون بیاورند» (شماره ۲۵: ۲). اگر بخواهیم استثنایی برای این قاعده ی فوق ذکر کنیم در جایی ملکم به علما به عنوان موانع ترقی انتقاد می کند: «ای علمای دین و ای عقلای ملک بدانید که همه این ظلم ها سببش در سکوت و بی رحمی شماست» (شماره ۸: ۱). در جایی دیگر از لفظ ملا برای روحانیونی استفاده می شود که مانع قانون خواهی ملت شده اند: «عنان کار محققاً به دست ملاها افتاده است. و دفع شر ملاها در هیچ ملک ممکن نبوده مگر به دست خود ملاها. ما در ایران ملاهای حلوا خور و بی دین خیلی داریم. همه آنها را به شخصه می شناسم و زبان بی دینی آنان را بهتر از همه کس می دانم» (شماره ۲۸: ۴). بنابراین با وجود اینکه در قاعده کلی، به نقش مثبت علما و روحانیت در به ثمره رسیدن نهضت قانون خواهی ملت ایران اشاره می شود اما می توان عناصری از بی اعتمادی به علما در متن یافت که حاکی از نگاه تناقض آمیز میرزا ملکم-خان است.

مرحله هفتم: ردگیری بین خطوط

با خوانش سیر روایت روزنامه «قانون» می توان پی برد که آن چه در روزنامه گفته نشده اعتقاد به دین انسانیت است؛ ملک‌خان با استحاله نقش روحانیت در ایران می‌کوشد از جایگاه اجتماعی مجتهدین استفاده کند تا آئین ترقی مطلوب خود را پیش ببرد. در اندیشه میرزا ملک‌خان امید برای اصلاح و پیشرفت تنها زمانی می‌تواند نتیجه‌بخش باشد که رهبران مذهبی از قانون-خواهی حمایت کنند و بر ضرورت عدالت خواهی ذیل لوای دین انسانیت جمع شوند. عبارت‌های (انطباق قانون با شریعت / عدم انطباق قانون با شریعت- ائتلاف علما / افتراق علما- ترقی گرایی اسلامی / تحجرگرایی اسلامی- اتفاق ملی / اختلاف ملی...) حاکی از توصیه روزنامه برای تغییر در اصول حکمرانی و استقرار حاکمیت قانون است: «در ممالک اسلام هر نظامی که از خارج بیاید نه ریشه خواهد داشت نه ثمر. این خرابی های ملک ما چه دخلی به اسلام دارد. همه این خرابی ها مستقیماً نتیجه -استبداد- که در این چند هزار سال کل اقالیم اسیا را مسخر داشته و تا این اواخر روح حریت اسلام و اصول ترقی را در زیر تعدیات ذاتیه خود مقهور ساخته بود» (شماره ۳۶: ۳). ردگیری بین خطوط متن حاکی از نگاه جهانشمول روزنامه به قانون و شریعت، و باور به سرنوشت مشترک دین در ایران و غرب است.

مرحله هشتم: سازمان دهی مجدد

ساماندهی مجدد تقابل های دوگانه نشان می‌دهد که روایت مسلط و مرکزی ضرورت انطباق قانون با شریعت با روایت دیگر حکمرانی غرب و ارزش های مترقی دنیا قابل جایگزینی است. وجود دین انسانیت به عنوان علامتی هشداردهنده در متن و تلقی علما به عنوان مانع ترقی در حکم استثنائی بر قاعده رابطه مثبت بین علما و ترقی حکایت از آن دارد که با تغییر سلسله مراتب تقابل های دوگانه یافت شده در متن می‌توان به روایتی جدید از روزنامه قانون دست یافت که روایت مرکزی شریعت خواهی ملک‌خان و حتی قانون خواهی او را زیر سوال می‌برد. در این روایت جدید با فرادست سازی مرد، ایران، دربار، دولت، سکوت سیاسی، استبداد، بی قانونی، حکمرانی غیرعادلانه، غیرمذهبی، عدم انطباق شریعت و قانون، تحجر، افتراق علما با چهره دیگری از ملک‌خان روبرو می‌شویم که در روایت مسلط ناپیداست. ملک‌خان شیفته حکمرانی غرب و ارزش های ترقی دنیاست و در این راه علما را مانع ترقی می‌داند. دین انسانیت دارد و به روحانیون تنها به مثابه ابزار می‌نگرد. استدلال روزنامه «قانون» در لزوم هم سویی مجتهدین و تلاش برای توجیه اهل مذهب به جهت آگاهی از نیروی اجتماعی علما و بهره گیری از ظرفیت رهبران مذهبی اصلاح طلب است که توانایی اجماع و اتفاق ملی در بین عامه مردم دارند. با این همه، وجه دیگر قانون خواهی ملک‌خان در نگاه دولت مدار اوست که با تأکیدات وارونه او در اصطلاحات مجلس درباری، روزنامه دولتی، دولت، مرد، استبداد است که خواهان سکوت سیاسی، اختلاف ملی، افتراق علما، بی قانونی و تحجر است. واژگونی سلسله مراتب تقابل ها و ایجاد بازی آزاد وجوه دوگانه آن به ما می‌گوید که گزاره پنهان قانون خواهی ملک‌خان در همان صدای حذف شده دولت و دولتمردان قرار دارد و به نظر می‌رسد که او برغم تکرار و تأکیدات دایمی بر قانون خواهی تمایل به سویه دولت خواهی دارد و تنها به جهت مصلحت است که بازی شریعت و قانون را در مرکز روایت قرار می‌دهد.

۶. بحث و نتیجه گیری

تحلیل حاضر از روش وانوسازی برای واساختن عناصر اندیشه قانون خواهی میرزا ملک‌خان استفاده می‌کند و با تأکید بر پیامدهای استعمار به دنبال خوانش پسااستعماری آن است. یافته های پژوهش نشان می‌دهد که پروژه قانون خواهی ملک‌خان حاوی تقابل های دوگانه ای با محوریت دولت و نقاط مقابل آن است که همگی خواهان محدودسازی قدرت دولت هستند و از همه در حکم ابزاری برای رسیدن به این مقصود کمک گرفته می‌شود. تقابل های دوگانه مذهبی / غیر مذهبی، روزنامه آزاد / روزنامه دولتی، حکمرانی عادلانه / حکمرانی ناعادلانه، انطباق قانون با شریعت / عدم انطباق قانون با شریعت، اداره قانونی / اداره اختیاری، رژیم مشروطه / رژیم استبدادی، ملت / دولت، ائتلاف علما / افتراق علما، مجلس شورای ملی / مجلس دربار اعظم، اعتراض سیاسی / سکوت سیاسی، اتفاق ملی / اختلاف ملی، کشورهای مترقی / ایران، زن / مرد، و ترقی گرایی اسلامی / تحجرگرایی اسلامی حامل «تقلید» از تجربه

انسان غربی است. آزادی، مشروطیت، اعتراض، قانون، ملیت، ترقی گرایی، اتفاق ملی یا همان هویت ملی واحد، عدالت و حقوق زنان حاصل این تقلید است اما تقلید او مسیری یک طرفه ندارد و در کنارش شاهد عناصر مذهبی بودن، انطباق پذیری با سنت، و اتکای به علما مشاهده می شود.

با این خوانش، مشخص است که ملوک خان هویت ایرانی زمانه خود را نه خالص بلکه دورگه می بیند. عناصر هویت غرب در پیوند خوردگی با سنت بومی ایران بویژه شریعت معنا می یابد. با این حال، نحوه دورگه یافتگی این دو دسته عناصر به نحوی است که غلبه با عناصر هویت غربی است (۱۱ مورد از تقابل ها) و از سنت بومی تنها انتظار انطباق یافتگی دارد (۳ مورد از تقابل ها) و در مواردی که مغایرت ببیند انتظار دارد به عنوان مانع حذف شوند (مثل علما). ملوک خان به تقلید غرب می پردازد اما این تقلید به تمسخر آن ختم نمی شود تا راه برای مقاومت در برابر سلطه فرهنگی غرب مهیا شود و علتش در میزان اندک تأکیدش بر سنت بومی است. چنان که هومی بابا می گوید زمانی تقلید می تواند یک استراتژی مقاومت در برابر استعمار شود که با تأکید مجدد بر اندیشه های خود صورت گیرد. عناصر غرب گرایی تسلط یافته در تقابل های دوگانه در اکثریت قاطع بر عناصر سنت گرا قرار دارند و این نشان می دهد که پروژه قانون خواهی او با مرجعیتی اروپامحور بر ساخت می شود و چنین اندیشه ای امکان مقاومت فعالانه در برابر استعمار و سلطه فرهنگی غرب ندارد. اروپامداری این پروژه باعث گردیده که ملوک خان و اصولاً انسان ایرانی به دیگری استعمارزده تقلیل یابند و الگوی بومی به حاشیه رانده شود. ملوک خان تلاش می کند «در آستانه» سنت ایرانی و غرب حرکت کند و در این راه به هویتی دورگه برای انسان ایرانی دست یابد اما ردیابی علایم راهنمایی مانند پروژه آدمیت و کارخانه آدم سازی او نشان می دهند که اندیشه ذات گرا بر پروژه قانون خواهی ملوک خان مستولی است و در ذیل این اندیشه امکان بی ثبات سازی اقتدار گفتمان استعماری مهیا نیست و نمی تواند بستر رقابت با امپریالیسم فرهنگی استعمار را فراهم نماید. سیالیت پروژه قانون خواهی ملوک خان به حدی نیست که به «فضای سومی» بینجامد و هویت جدید دورگه ای خلق نماید، چنان که می گوید: «اسلام حقیقی یعنی علم یعنی عدالت ترقی» اما «علم در دنیا یکی است. در هر نقطه روی زمین... برای کل بنی آدم واجب است» (شماره ۳۹: ۲). فضای سوم محصول بی ثبات شدگی تقابل های دوگانه و سلسله مراتب آن است اما ملوک خان برغم ادعای نخستینش در پیوند شریعت و ترقی بلافاصله و همواره سراغ ثبات غرب می رود آن را بر صدر می نشاند که امر سومی نیست.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۵)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه محمد ابراهیم فتحی و احمد گل محمدی، تهران: نشر نی، چاپ بیست چهارم.
- اصیل، حجت الله (۱۳۷۶)، زندگینامه و اندیشه میرزا ملکم خان، ناظم الدوله، تهران: نشر نی.
- الگار، حامد (۱۳۶۹)، پژوهشی در باب تجددخواهی ایرانیان، میرزا ملکم خان، ترجمه: جهانگیر عظیمی، ترجمه حواشی: مجید تفرشی، تهران: انتشارات مدرس.
- الگار، حامد (۱۳۶۹)، میرزا ملکم خان، مرتضی عظیمی و مجید تفرشی، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری مدرس.
- برتس، هانس (۱۳۹۱)، مبانی نظریه ادبی، ترجمه محمدرضا ابولقاسمی، تهران: ماهی. نوبت چاپ: چهارم.
- بوژه، دیوید، ام (۱۳۸۷)، «تحلیل و اساسی»، ترجمه حسن محدثی، فصلنامه رسانه، سال نوزدهم، شماره ۱.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۸)، تحول گفتمان روزنامه های روشنفکری در قبل و بعد از جنبش مشروطه (با تکیه بر قانون، روح القدس و صوراسرافیل)، پژوهشنامه تاریخ، سال پنجم، شماره ۱۷.
- جوانمرد، سمیرا و منشادی، مرتضی (۱۳۹۱)، بررسی شاخصه های دولت حقوقی در روزنامه قانون، مجله دانش سیاسی و بین المللی، سال اول، شماره ۳، صص ۴۶-۳۳.
- حجازی، سید نصراله و رادمرد، محمد (۱۳۹۳)، گذار از عدالت شخصی به عدالت نهادی در اندیشه میرزا ملکم خان، فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، سال ششم، شماره سی نهم: صص ۱۷۸-۱۵۷.
- راین، اسماعیل (۱۳۵۰)، میرزا ملکم خان، زندگی و کوشش های سیاسی او، تهران: صفی علی شاه با همکاری فرانکلین، چاپ اول.
- ریچ، گراهام (۱۴۰۲)، تحلیلی در باب آیا فرودست می تواند سخن بگوید؟ گایاتری چاکراوورتی اسپیک، ترجمه های نوری، تهران: نشر پبله.
- زاهد، فیاض (۱۳۸۶)، درخشش روزنامه قانون در میان آثار و افکار ملکم خان، نشریه جامعه شناسی و علوم اجتماعی، آیین، شماره ۸.
- سعید، ادوارد (۱۳۸۲)، فرهنگ و امپریالیسم، ترجمه اکبر افسری، تهران: توس.
- شاهمیری، آزاده (۱۳۸۹)، نظریه و نقد پسااستعماری، تهران: علم.
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۸۵)، آشنایی اجمالی با روزنامه قانون و مدیر آن میرزا ملکم خان، ناظم الدوله، یاد، شماره هشتاد دوم، صص ۳۴-۲۳.
- صفری، ماجد (۱۳۸۲)، مطبوعات ایران از کاغذ اخبار تا نشریه های الکترونیکی، تهران: رویداد.

فصلنامه علمی نظریه های اجتماعی متفکران مسلمان

مقاله آماده انتشار

ضمیران، محمد (۱۳۹۲)، ژاک دریدا و متافزیک حضور، تهران: نشر هرمس.

طاهری مقدم، سید محمد و بوچانی، ابراهیم (۱۳۹۴)، میرزا ملکم-خان ناظم الدوله و تأملی براندیشه های آموزشی او، جستارهای تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول، صص ۷۳-۸۸.

فانون، فرانتس (۱۳۵۵)، پوست سیاه صورتک های سفید، ترجمه محمد امین کاردان، تهران: خوارزمی.

فی، استیون و هایدون، لیام (۱۴۰۲)، تحلیلی در باب موقعیت فرهنگ هومی بابا، ترجمه هادی نوری، تهران: نشر پبله.

قنبری، فرج الله علی و طاهریان، محمدرضا و اعتمادی، امیر (۱۳۹۳)، تجدیدگرایی در ایران معاصر؛ مطالعه موردی اندیشه میرزا ملکم-خان ناظم الدوله، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره سوم، صص ۱۵۰-۱۳۱.

کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۵)، روزنامه یا الواح قانون، جریان شناسی تحلیلی جراید فارسی روزنامه قانون، یاد، شماره هشتاد دو گانگل، دیوید جی (۱۴۰۲)، وانوسازی، ترجمه هادی نوری، تهران: نشر پبله.

گاندی، لیل (۱۳۹۱)، پساستعمارگرایی، ترجمه مریم عالم زاده و همایون کاکا سلطانی، تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی. نوبت چاپ: دوم.

میرچی، شمس الله (۱۳۸۶)، بازشناسی جریان های روشن فکری در ایران، نشریه علوم سیاسی، دوره نهم، شماره ۳۷، صص ۷۰-۴۵.

میلز، سارا (۱۳۹۲)، گفتمان، مترجم فتح محمدی، زنجان: نشر هزاره سوم. چاپ سوم.

ناطق، هما (۱۳۵۵)، روزنامه قانون به کوشش و با مقدمه هما ناطق، تهران: سپهر، چاپ اول.

ناطق، هما (۱۳۸۵)، نشریه قانون و بازتاب های سیاسی و اجتماعی آن در ایران، مجله یاد، شماره ۸۲، صص ۱۳۰-۱۰۱.

نورانی، فرشته (۱۳۵۲)، تحقیق در افکار میرزا ملکم خان ناظم الدوله، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی با همکاری فرانکلین.

وحدت، فرزین (۱۳۸۳)، رویارویی فکری ایران با مدرنیت، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس. چاپ اول.

هرناندز، فلیپ (۱۴۰۲)، هومی بابا برای معماران، ترجمه شادی عزیزی و شارین شیرمحمدیان، تهران: کتابکده کسری.

یانگ، رابرت جی. سی. ی (۱۳۹۱)، درآمدی اجمالی بر پساستعمارگرایی، (مترجمان فاطمه مدرسی و فرح قادری)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۳).

Baxter, J. (2003), *Why Choose to Use FPDA? Positioning Gender in Discourse*, Palgrave Macmillan, London

Bhabha, Homi k. (1994). *The Location of Culture*. London : Routledge.

Derrida, J. (1995), *Points: Interviews, 1974-1994*, Stanford, CA.

., *Of Grammatology*, Trans. Gayatri Chakravaty Spivak, Baltimore : John Hopkins University Press) 1976 (Derrida, J. Fay, Stephen & Haydon, Liam (2017), *An Analysis of Homi K. Bhabha's The Location of Culture*, London : Macat Library.

Loomba, Ania (2000), *Colonialism and Post Colonialism*, London : Routledge Classic.

Martin, Joanne (1990), "Deconstructing organizational taboos: The suppression of gender conflict in organization", *Organization Science*, 1 (4) : 339-359.

Schegloff, E.J. (1999) Schegloff's texts as Billig's data : a critical reply. *Discourse & Society*, 10(4), pp. 558-70.

Scott, D. and Usher, R. (eds) (1996) *Understanding Educational Research* (London : Routledge).

Spivak, Gayatri Chakravorty (1999), *A Critique of Postcolonial Reason: Towards a History of the Vanishing Present*. Cambridge : Harvard University Press, Print.